

زیر آسمان فیروزهای

نشرخُنیاکر منتشرکرد

«کمانچه‌نوازی نوین»

● کتاب «کمانچه‌نوازی نوین» به تألیف سبنا علم منتشر شد. مؤلف در این کتاب می‌کوشد کمانچه را به‌عنوان یک ساز زهی– آرشه‌ای کامل شناساند و شخصیتی «کششی» برای آن بسازد. همچنین مقوله بسیار مهمی را که سال‌ها آهنگ‌سازان و نوازندگان با آن درگیر بوده‌اند حل کند: «انتقالی بودن ساز کمانچه». اشتباه بزرگی که موجب سختی در نگارش و نوازندگی می‌شد، نگاه انتقالی به این ساز بوده که در کتاب با نگاه بی‌طرفانه به حل این مشکل پرداخته است. نوشتن اتودها (که با عنوان چالش آمده‌اند) و دونوازی‌هایی برای دو کمانچه که جای خالی آن حس می‌شد از دیگر اهداف این کتاب است.

مؤلف در دفتر دوم به تحصیل فواصل موسیقی ایرانی با تمرین‌هایی از نوع اتودها و قطعات و دونوازی‌ها می‌پردازد تا تمام تکنیک‌هایی را که در دفتر اول به آنها

پرداخته و همچنین در ادامه به آنها می‌پردازد

رنگ‌بوی موسیقی دستگاهی ببخشد. همچنین با تجربه تغییر کوک و دلایل ایجاد چنین رویکردی مواجه خواهیم شد که از لحاظ زرتنانس (تشدید صدا) و نحوه انگشت‌گذاری‌های متفاوت دنیای تازه‌ای را فراروی مخاطب می‌گذارد.

ادامه موفقیت‌های «قهرمان» در جشنواره‌های بین‌المللی

● اصغر فرهادی برای فیلم «قهرمان» موفق به کسب جایزه بهترین کارگردانی از جوایز سینمایی آسیاپاسیفیک در سال ۲۰۲۱ شد. برندگان چهاردهمین دوره جوایز سینمایی آسیاپاسیفیک اعلام شد و فیلم «قهرمان» که در چهار شاخه از این جوایز نامزد بود در نهایت موفق به کسب جایزه بهترین کارگردانی از این رویداد شد.

«قهرمان» در شاخه بهترین فیلم، فیلم‌نامه و بهترین بازیگر مرد (امیر جدیدی) نیز نامزد کسب جایزه آسیاپاسیفیک بود.

در سایر بخش‌ها فیلم ژاپی «ماشین من را بران» ساخته «یوسوکی هاماکوچی» موفق به کسب جایزه بهترین فیلم از جوایز سالانه آسیاپاسیفیک شد و جایزه بزرگ هیئت داوران نیز به فیلم «رحانا» ساخته عبدالله محمد ساد محصول مشترک فنلاند،ش، قطر و سنگاپور رسید. «ماشین من را بران» علاوه بر کسب جایزه بهترین فیلم، جایزه بهترین فیلم‌نامه را نیز به خود اختصاص داد، جایی که اصغر فرهادی برای فیلم «قهرمان» و نسیم احمدپور و شهرام مکری نیز برای «جنایت بی‌دقت» از نامزدهای کسب جایزه بودند. در شاخه بهترین فیلم بلند جوانان این جوایز که فیلم سینمایی «وقت سیخ انارها» ساخته گراناز موسوی نیز یکی از نامزدها بود، فیلم کرهای «حرکت به جلو» ساخته «یون دان– بی» به عنوان برنده انتخاب شد.

همچنین «مدام یا توطنه ماوریکس» ساخته «آندری کرزانوفسکی» جایزه بهترین مستند بلند و «سایایه» به کارگردانی «هوچیر سبیوری» از سوئد نیز جایزه بهترین انیمیشن این رویداد را به خود اختصاص داد. در سایر بخش‌ها، جایزه بهترین بازیگر زن و مرد جشنواره به ترتیب به «آزمری هالک بادون» برای فیلم «رحانا» و «مراب نینیزه» برای فیلم روسی «حضر خانگی» اعطا شد. فدراسیون بین‌المللی انجمن تهیه‌کنندگان سینما (FIAPP) نیز جایزه خود را به «سرگی سالیانوف» برای دستاورد قابل ملاحظه در سینمای منطقه آسیاپاسیفیک اعطا کرد. سینمای ایران و ژاپن هرکدام با نامزدی در هفت شاخه، پیش‌نات نامزدهای امسال جوایز آسیاپاسیفیک بودند. قهرمان برای نخستین بار در ۱۳ جولای ۲۰۲۱ در جشنواره فیلم کن ۲۰۲۱ به نمایش درآمد و در آنجا مشترکاً با کوپه شماره ۶ ساخته یوهو کاسمانن موفق به کسب جایزه بزرگ هیئت داوران از جشنواره کن شد.

در این فیلم امیر جدیدی، محسن تانبنده، سحر گلدوست، فرشته صدرعقایی، احسان کودرزی، مریم شاه‌داعی، علیرضا جهاندیده، فرخ نوربخت، محمد عاقبتی، صالح کریمیایی و سارینا فرهادی ایفای نقش می‌کنند.

اصغر فرهادی ساخت فیلم‌هایی چون «جدایی نادر از سیمین»، «گذشته»، «درباره الی»، «رضی در غیاب» و… را در کارنامه هنری‌اش دارد و دو بار اسکار را برای سینمای ایران کسب کرده است. در فیلم «قهرمان»، رحیم با بازی امیر جدیدی در واقع قهرمان داستان است که به دلیل عدم پرداخت بدهی‌اش در زندان است. در حالی که او به مرخصی می‌آید، زنی که او را خیلی دوست دارد، رحیم را متقاعد می‌کند بدهی‌اش را از محل کیف پر از پولی که او پیدا کرده، پرداخت کند. تصمیم رحیم پیامدهایی را به همراه دارد که او را به قهرمان داستان تبدیل می‌کند.

همچنین این فیلم به عنوان نماینده سینمای ایران برای رقابت در نودوپهارهسین دوره جوایز اسکار معرفی شد.

بهناز شیربایانی: زمان زیادی از اکران «قهرمان»، تازه‌ترین فیلم اصغر فرهادی نمی‌گذرد؛ اما بی‌تردید می‌توان آن را یکی از بریحت‌ترین فیلم‌های سینمای ایران و البته کارنامه اصغر فرهادی دانست. موافقان و مخالفان این فیلم، هریک در رد یا قبول مضمونی که فرهادی در فیلمش تصویر کرده، دلایلی را متذکر می‌شوند. اما شاید بتوان با قطعیت گفت که بسیاری از تحلیل‌ها چندان ارتباطی با نقد مفهومی اثر ندارد و چیزی شبیه نقد نیست! اما ایجاد فضایی دوقطبی پیرامون اثر جدید فرهادی نکته‌ای است قابل تأمل و بررسی. حسین معززینیا از منتقدان صاحب‌نام سینمای ایران در گفت‌وگو با «شرق» صحبت‌هایش را درباره چرایی ایجاد این فضای دوقطبی

این‌طور آغاز کرد: «این فضا از

نمایش فیلم در جشنواره کن آغاز شد و تا به امروز هم به شکل‌های مختلف ادامه پیدا کرده است. آنچه را تا الان ابراز شده نمی‌شود نظر عمومی مخاطبان فیلم به معنی مطلق کلمه فرض کرد. فکر می‌کنم هنوز جمعیتی به اسم تماشاگر عام داریم که مستقل از این حرف‌ها به تماشای فیلم‌ها می‌نشینند و ما هنوز دقیق نمی‌دانیم که ارزیابی آنها چیست. البته می‌توان فروش فیلم را یکی از نشانه‌هایی دانست که براساس آن میزان استقبال تماشاگر عام را می‌توان محاسبه کرد اما این روزها نمی‌شود با توجه به شرایط جامعه از تحلیل آمار فروش به نتیجه دقیقی رسید. طبق آمار فعلی، «قهرمان»، فروش چشمگیری ندارد، اما این به کارشناسی نیاز دارد. باید کسی که به این نوع تحلیل مسلط است به ما بگوید که تا چه حد وضعیت کرونا، شرایط اقتصادی مردم، بی‌حوصلگی عموم جامعه، دوربودنشان از تفریحات دسته‌جمعی و تمام شرایط عجیب و غریبی که در این دو سال جامعه ایران تجربه کرده، بر فروش فیلم تأثیر داشته است. اینها مواردی است که باید لحاظ شود. پس بحث فروش را می‌توان مستقل ارزیابی کرد، اما جدا از بحث فروش، حتما می‌دانیم که چیزی به اسم رضایت عمومی تماشاگر و نوع درگیری‌اش با فیلم هم مهم است. می‌خواهم بگویم لازم است نظر تماشاگرانی که «قهرمان» را دیده‌اند، از چیزی که ما اسامش را نظر منتقدان یا تمام صاحب‌نظران عرصه فرهنگ و هنر می‌گذاریم، جدا شود. پس ابتدا این را جدا کنیم و بگوییم به طور کلی با یک فضای دوقطبی مواجهیم. بگوییم در میان آنها که فضایی برای اظهارنظر دارند، اختلافی شکل گرفته است».

او ادامه داد: «حالا این بخش دوم هم باید کمی کارشناسی شود، چراکه تصور می‌کنم این روزها در اظهارنظرهایمان همه چیز را راحت با هم ترکیب می‌کنیم و نتیجه‌گیری می‌کنیم، منظوم این است که آن نوشته‌ها و نظرهایی که دیدیم، شامل چند درصد کسانی می‌شود که واقعا صاحب‌نظرند؟ و چند درصد تماشاگرانی که فیلم قهرمان را می‌بینند، صفحات اینستاگرام این‌هاک نظرکننده‌ها را دنبال می‌کنند یا در جای دیگر، نقد‌هایشان را می‌خوانند؟ می‌خواهم دعوت کنم دقیق‌تر توضیح دهیم وقتی درباره این فضای دوقطبی صحبت می‌کنیم اساسا به چه چیزی استناد می‌کنیم؟».

معززینیا در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «طیفی از منتقدان سینمایی که سابقه‌ای طولانی در نقدنویسی دارند، کجا نظراتشان را بروز می‌دهند؟ بخش قابل توجهی از آنها شاید هنوز به فیلم «قهرمان» واکنش نشان نداده، شاید حوصله نوشتن ندارند، چون احساس می‌کنند نوشتار مکتوب تأثیر قدیم را به مخاطبان ندارد یا شاید حوصله آمدن در فضای مجازی را ندارند. در این لحظه میانگین دقیقی نداریم تا بتوانیم بگوییم چند نفر از آدم‌هایی که صاحب‌نظرند و می‌توانند حرفی قابل اعتنا درباره یک فیلم تازه‌اکران‌شده بر زبان بیاورند، نظرآرتشان را اعلام کرده‌اند. تصور نمی‌کنم اگر چند نفر در تویترا یا اینستاگرام جوی به راه بیندازند، این حسود میانگین ارزیابی نقد فیلم در کشور به بسا بنسب بیاید. به‌ویژه که حتما باید دقت کرد منبای این اظهارنظرها سینماست یا اهداف دیگری وجود دارد. به نظر باید روی همه اینها دقت بیشتری به خرج داد تا بتوانیم با اطمینان بگوییم که جامعه منتقدان سینمایی کشور نسبت به فیلم «قهرمان» چه نظری دارد».

معززینیا ادامه داد: «حالا اگر قرار است به این سؤال پاسخ دهیم که نه لزوما منتقدان سینمایی بلکه همان‌ها که در فضای مجازی فعالیت دارند، چرا از زمان حضور «قهرمان» در جشنواره کن تا اکران فعلی را ایجاب و واکنش‌های منفی دارند، پاسخ من این است که مردم ما در این ماه‌ها عصبانی‌اند، خشمگین‌اند. نمی‌خواهم وارد این

بحث شوم که دلیل این عصبانیت چیست. کم و بیش دلایلتش را می‌دانیم. طبیعتا مجموعه‌ای از شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور که رضایت‌بخش نیست و کلافه‌کننده است، باعث شده مردم جمعیتی به اسم تماشاگر بگردند. زمینه علنی‌کردن این اعتراض در بستر واکنش‌های اجتماعی مهیا نیست؛ بنابراین مردم دوست دارند کسی به جای خودشان اعتراض کند. دنبال سردمداری می‌گردند که اعتراض کند. این سردمدار می‌تواند گاهی در سیاست بروز پیدا کند، گاهی در ورزش، گاهی در واکنش یک چهره تلویزیونی، گاهی در یک رمان جدید یا فیلمی که ساخته می‌شود. مردم ترجیح می‌دهند کسی صدای آنها باشد. همین موج است که حالا متوجه اصغر فرهادی شده است. کسانی که

چنین اعتقادی دارند، از اصغر فرهادی می‌خواهند صدای آنها باشد. می‌گویند چرا خودمان را در رفتار و فیلم‌های تو نمی‌بینیم. آغاز این جدل را در جشنواره فیلم کن دیدیم و حواشی مصاحبه‌های فرهادی. گفتند فرهادی چرا از تریبون که در اختیار داشت استفاده نکرد تا اعتراض مردم به‌خوستان را منعکس کند. چرا به سؤال‌هایی که از او پرسیده می‌شد، با صراحت جواب نداد. چرا همان جواب‌هایی را نداد که ما دلمان می‌خواست. همین جو است که ادامه پیدا کرده تا به امروز که بحث‌های دیگری به بهانه فیلم پیش آمده. عده‌ای می‌گویند هنرمند روزها در اظهارنظرهایمان همه چیز را راحت با هم هنرمند می‌کند و اگر ما از فیلم‌های فرهادی استقبال نمی‌کردیم اصغر فرهادی

پس می‌توانست منتقدان یا تمام صاحب‌نظران عرصه فرهنگ و هنر می‌گذاریم، جدا شود. پس ابتدا این را جدا کنیم و بگوییم به طور کلی با یک فضای دوقطبی مواجهیم. بگوییم در میان آنها که فضایی برای اظهارنظر دارند، اختلافی شکل گرفته است».

او ادامه داد: «حالا این بخش دوم هم باید کمی کارشناسی شود، چراکه تصور می‌کنم این روزها در اظهارنظرهایمان همه چیز را راحت با هم ترکیب می‌کنیم و نتیجه‌گیری می‌کنیم، منظوم این است که آن نوشته‌ها و نظرهایی که دیدیم، شامل چند درصد کسانی می‌شود که واقعا صاحب‌نظرند؟ و چند درصد تماشاگرانی که فیلم قهرمان را می‌بینند، صفحات اینستاگرام این‌هاک نظرکننده‌ها را دنبال می‌کنند یا در جای دیگر، نقد‌هایشان را می‌خوانند؟ می‌خواهم دعوت کنم دقیق‌تر توضیح دهیم وقتی درباره این فضای دوقطبی صحبت می‌کنیم اساسا به چه چیزی استناد می‌کنیم؟».

معززینیا در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «اما بخش دیگری از سؤالی که شما مطرح کردید به شرایب امروز نقد فیلم در کشور بازمی‌گردد. بدون تردید نقد فیلم، امروز، یکی از متشتت‌ترین و عجیب‌وغریب‌ترین دوره‌هایش را در کشور ما می‌گذرانند. من مشکلی با اظهارنظر در فضای مجازی ندارم. اما سؤال اساسی این است که آیا مخاطب امروز تفاوت یکی مثل آقای فراستی را که نقدتلویزیونی می‌کند، با کسی که چند خط در

گفت‌وگو با حسین معززینیا درباره حواشی این روزهای فیلم «قهرمان»

موجی که متوجه اصغر فرهادی شده است



باعث شده تا میزان تأثیرگذاری آنها در بخش قابل‌اعتنایی از افراد جامعه بیشتر شود و مسیر دهد و نظر طیف عظیمی از منتقدان را نمایندگی کند و در چنین شرایطی تا چه حد منتقد می‌تواند به وظیفه‌اش درست عمل کند؟ گفت: «این نکته مورد اشاره شما هم چند وجه دارد. باید دسته‌بندی‌های جداگانه‌ای را در نظر بگیریم. یکی از دلایل شروع این بحث‌ها، سؤال مطرح‌شده از سوی خبرنگاری بود که قبلا در نشریات داخلی کار می‌کرد ولی درحال حاضر عضو رسانه‌ای است که مخالف نظام است و بدیهی است که او وظیفه دارد اهداف رسانه متوعش را دنبال کند. واضح است که او قرار نیست با فیلم فرهادی به‌عنوان یک فیلم برخورد کند بلکه وظیفه دارد به جنبه‌ای از فیلم «قهرمان» و شخصیت فرهادی اشاره کند که ربطی به مخالفت با نظام پیدا خواهد کرد. یعنی آن چیزی که اسمش را گذاشتید فضای دوقطبی موجود خودبه‌خود در سؤال آن خبرنگار به یک پرسش سیاسی تبدیل شد. به‌وضوح می‌خواست فرهادی را وادار کند بگوید همراه نظام است یا علیه نظام. همین رویه بود که در تویتور و اینستاگرام ادامه پیدا کرد و زمینه بحث‌های بعدی را هم فراهم کرد. من قصد ندارم کل این جریان را تحلیل کنم و بگویم هرکس چه رفتاری کرده و آیا درست بوده یا غلط، اما گمان می‌کنم یک نکته بسیار واضح و قطعی است: اسم بردن نوع ورود به بحث، نقد فیلم نیست. به چنین فضایی نمی‌گویند واکنش منتقدان به فیلم «قهرمان». این ماجرای دیگری است. خیلی‌ها دل‌شان می‌خواهد در فضای مجازی همین رویه را ادامه دهند. خب ادامه دهند اما در هیچ جای دنیا به چنین مباحثی



طیفی از منتقدان سینمایی که سابقه‌ای طولانی در نقدنویسی دارند. کجا نظراتشان را بروز می‌دهند؟ بخش قابل توجهی از آنها شاید هنوز به فیلم «قهرمان» واکنش نشان نداده، شاید حوصله نوشتن ندارند، چون احساس می‌کنند نوشتار مکتوب تأثیر قدیم را بر مخاطبان ندارد یا شاید حوصله آمدن در فضای مجازی را ندارند. در این لحظه میانگین دقیقی نداریم تا بتوانیم بگوییم چند نفر از آدم‌هایی که فکر می‌کنیم صاحب‌نظرند و می‌توانند حرفی قابل اعتنا درباره یک فیلم تازه اکران‌شده بر زبان بیاورند، نظراتشان را اعلام کرده‌اند

نمی‌گویند نقد فیلم».

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «اما بخش دیگری از سؤالی که شما مطرح کردید به شرایب امروز نقد فیلم در کشور بازمی‌گردد. بدون تردید نقد فیلم، امروز، یکی از متشتت‌ترین و عجیب‌وغریب‌ترین دوره‌هایش را در کشور ما می‌گذرانند. من مشکلی با اظهارنظر در فضای مجازی ندارم. اما سؤال اساسی این است که آیا مخاطب امروز تفاوت یکی مثل آقای فراستی را که نقدتلویزیونی می‌کند، با کسی که چند خط در



اینستاگرام می‌نویسد یا کسی که در یک مجله تخصصی نقد بلند می‌نویسد با کسی که در یک کتاب نقد تحلیلی می‌نویسد، می‌داند؟ آیا همه آنها که امروز منتقد نامیده می‌شوند، مدیوم خودشان را می‌شناسند؟ آیا نوع استفاده ما از پلتفرم‌های مختلف در استاندارد جهانی پذیرفته شده است؟ کاربر فارسی‌زبان، ماهیت اینستاگرام را دفرمه کرده، به چیزی تبدیلیش کرده که در هیچ جای دنیا چنین سر و شکلی ندارد. کجای دنیا از اینستاگرام چنین استفاده‌ای می‌شود؟ تصویر هیچ ارتباطی با متن ندارد. از حداکثر فضای کیشن‌نویسی استفاده می‌شود و باقی متن در کامنت‌ها گذاشته می‌شود! ما داریم در اینستاگرام مقاله می‌نویسیم! چرا؟ چون به دلیل شرایط فیلترینگ از اینستاگرام

استفاده‌ای می‌کنیم که اصلا برای این کار طراحی نشده است. مخاطب عضو این صفحات می‌شود، فکر می‌کند چیزی که در این صفحات منتشر می‌شود، اسمش نقد فیلم است. به همین دلیل می‌گویم الان اگر بخواهیم نظر صاحب‌نظران سینمایی کشور در مورد «قهرمان» را بدانیم، ابتدا باید از خودمان پرسیم به کجا رجوع می‌کنیم؟ نظر چه کسی را ملاک می‌گیریم».

او صحبت‌هایش را این‌طور ادامه داد: «به نظرم کل برنامه‌های تلویزیونی که در این چهار، پنج سال درباره سینما تولید شده و به نقد فیلم پرداخته هم به‌شدت این مرزها را به هم ریخته است. تعاریف عوض شده و مخاطب جوانی که می‌خواهد نقد فیلم بخواند، اصلا بستر یادگرفتن مبانی نقد فیلم را پیدا نمی‌کند. همان مخاطب قق دارد اگر در مورد فیلم «قهرمان» دچار سرگردانی شود که با لایحه چه کسی درست می‌گوید؟ چطور عده‌ای فیلم را شاهکار مطلق می‌دانند و عده‌ای معتقدند اسمش را گذاشتید فضای دوقطبی موجود خودبه‌خود در سؤال آن خبرنگار به یک پرسش سیاسی تبدیل شد. به‌وضوح می‌خواست فرهادی را وادار کند بگوید همراه نظام است یا علیه نظام. همین رویه بود که در تویتور و اینستاگرام ادامه پیدا کرد و زمینه بحث‌های بعدی را هم فراهم کرد. من قصد ندارم کل این جریان را تحلیل کنم و بگویم هرکس چه رفتاری کرده و آیا درست بوده یا غلط، اما گمان می‌کنم یک نکته بسیار واضح و قطعی است: اسم بردن نوع ورود به بحث، نقد فیلم نیست. به چنین فضایی نمی‌گویند واکنش منتقدان به فیلم «قهرمان». این ماجرای دیگری است. خیلی‌ها دل‌شان می‌خواهد در فضای مجازی همین رویه را ادامه دهند. خب ادامه دهند اما در هیچ جای دنیا به چنین مباحثی

او در پاسخ به این پرسش که تا چه حد حواشی به‌وجودآمده، ناشی از اکران فیلمی پس از مدت‌ها بی‌روفتی سینماها است و تا چه حد به ماهیت وجودی آثار فرهادی ارتباط دارد؟ گفت: «با درنظرگرفتن وضع و حال عمومی فرهنگ‌وهنر در کشور ما هیچ عصبی نیست که «دینامیت» بیشتر از «قهرمان» بفروشد. با وضعیت فعلی، کجا تیراژ امروز کتاب و نشریات، با فشارهایی که متوجه طبقه متوسط شده، با تلاش‌هایی که برای نابودی فرهنگ و هنر به خرج داده‌اند و می‌دهند، وضعیت عادی همین است که «مطرب»، «هزارپا» «رحمان ۱۴۰۰» و… بیش از «قهرمان» بفروشند. برای من تعجبی ندارد. اما فیلم فرهادی البته خب ادامه دهند اما در هیچ جای دنیا به چنین مباحثی

نمی‌تواند برای تماشاگر عادی تأمل‌برانگیز باشد، حتی بخواهد چند بار آن را ببیند. این فضایی که در موردش حرف زدیم هم نمی‌تواند مانع حضور تماشاگر عام شود، چراکه تماشاگر عادی لزوما مخاطب این بحث‌ها نیست. این هیاهوها نمی‌تواند باعث شود آنها از سینمارفتن منصرف شوند. فکر می‌کنم مخاطب عام فارغ از فیلم «قهرمان» ارتباطش را با اصغر فرهادی از دست نداده است. فرهادی چه‌های است جهانی که در کنار عباس کیارستمی مهم‌ترین سینماگر ما در دهنه‌های اخیر محسوب می‌شود. برن دو جایزه اسکار و باقی افتخاراتش را جامعه به یاد سپرده است. بخشی از مخاطب از این جهت رابطه‌اش با فرهادی برقرار است. اما گذشته از این، از دیدگاهی

کاملا سینمایی من خود «قهرمان» را فیلمی نمی‌بینم که تاسییل این را داشته باشد که در نظر عموم مردم موفقیتی در اندازه «درباره الی» یا «جدایی نادر از سیمین» داشته باشد. یک دلیلش به کیفیت ساختاری فیلم مربوط است، یک بخش دیگر به ترکیب بازیگرانش، دلیل مهم‌تر هم شاید این باشد که بخش عمده تماشاگر سینماور امروز ما طبقه متوسط شهری است. «چهارشنبه‌سوری»، «درباره الی» و «جدایی نادر از سیمین» درباره مسائل طبقه متوسط شهری بود. دغدغه همان روز این بخش از جامعه بود. «فروشنده» هم همین‌طور. ولی «قهرمان» آن پتانسیل را ندارد. نمی‌تواند برای طیف عظیمی از مخاطب سینماور و مخاطب آن ایجاب و اشعا کند؛ بنابراین فروختن و نفروختن فقط به فضایی که ایجاد شده مربوط نیست».

دریچه

«آتابای»، نیکی کریمی سوم آذرماه اکران می‌شود

● فیلم سینمایی «آتابای» چهارشنبه سوم آذرماه توسط مؤسسه پخش «بهنمن سبز»، اکران خود را در سینماهای سراسر کشور آغاز می‌کند.

«آتابای» جدیدترین ساخته نیکی کریمی که در سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر نامزد سیمرغ پنج رشته و فیلم برگزیده منتقدان ماهنامه فیلم شده، به تازگی در اولین حضور بین‌المللی خود در آسیاپاسیفیک به نمایش گذاشته شد و هفته آینده در بخش مسابقه جشنواره کمبریج به رقابت می‌پردازد.

گروه بازیگران فیلم را هادی حجازی‌فر، سحر دولتشاهی، جواد عزتی، دانیال نوروش، یوسفعلی دریادل، مه‌لقا می‌نوش، معصومه ربانی‌نیا و میرمجید حسینی تشکیل می‌دهند.

داستان فیلم درباره مردی میانسال به نام کاظم است که در روستای پیرکندی شهرستان خوی زندگی می‌کند. او که دانشجوی معماری دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران بوده، پس از یک شکست عاطفی از دانشگاه انصراف داده و به زادگاه خودش برگشته است. خواهرش در جوانی خودسوزی کرده است و پس از آن مسئولیت سرپرستی و تربیت پسر خواهرش با اوست. حالا آیدین به سن نوجوانی رسیده و او خود را در تربیت او ناتوان می‌بیند و با این حال به شدت به او علاقه‌مند است. از سوی دیگر رابطه او با دوست قدیمی‌اش به نام یحیی دچار چالش شده است. در این میان، حضور دو خواهر که آتابای کار ساخت ویلا برای پدر آنها را به عهده دارد، شرایط تازه‌ای را رقم می‌زند و او به سیما دختر بزرگ خانواده علاقه‌مند می‌شود. اما در بیان این علاقه به او تردید دارد و سرانجام این عشق هم نافرجام می‌ماند.

آغاز اجرای

«بانوی محبوب من»

● اجرای نمایش «بانوی محبوب من» به نویسندگی آلن جی لرنر و کارگردانی کلاب آدینه طی برگزاری یک مراسم نمادین افتتاحیه با حضور فاطمه معتمدآریا و استقبال قابل توجه مخاطبان در تالار اصلی مجموعه تئاتر هنرمند آغاز شد.

کلاب آدینه کارگردان نمایش «بانوی محبوب من» در ابتدای این برنامه گفت: بسیار متخرم که فاطمه معتمدآریا به عنوان یکی از بازیگران درجه یک و ممتاز کشورمان شروع‌کننده فرمان نمایش «بانوی محبوب من» در تالار اصلی تئاتر شهر است.

او افزود: تئاتر ما از دوران عجیب کرونا با مشقت بسیار تمرین شد تا امروز پیش‌روی نگاه شما مخاطبان عزیز تئاتر قرار گیرد. جالب اینکه کمتر کسی فکر می‌کرد این نمایش در این شرایط روی صحنه برود اما این گروه زحمتکش و تلاشگر با من همراهی کردند و می‌توانم بگویم که اینها قهرمانان من هستند.

فاطمه معتمدآریا بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون کشورمان هم در این مراسم ضمن قدردانی از انتخاب این تئاتر برای اجرای در تالار اصلی تئاتر شهر گفت: من دلایل زیادی برای انتخاب این نمایش دارم. اولین و مهم‌ترین دلیل آن شخص کلاب آدینه است که همانند نام زیبایش، عطری دارد که در همه صحنه‌ها جاری است. دلیل بعدی‌ام برای حضور در افتتاحیه نمایش هم دوباره کلاب نام آدینه است چراکه در سال ۱۳۵۸ وقتی در همین سالن نمایش دایره گچی قفقازی را کار می‌کردیم، خانم آدینه هنرمند جوانی بود که بی‌دریغ از ما که در سن و سال کمتری بودیم حمایت می‌کرد و امتیازات و اشتباهات را به ما می‌گفت.

این هنرمند بیان کرد: کلاب آدینه در همان زمان هم یک هنرمند حرفه‌ای برخاسته از تئاتر دانشجویی بود که به من جان‌تازه‌ها که آن کانون به تئاتر آمده بودیم همواره راهنمایی‌های ارزنده داشت که بسیار ارزشمند بود. او همواره حضور پرمحنتی داشت و این مهر از همان سال تاکنون در همه جای تئاتر این سرزمین پراکنده است. پس من از او بسیار تشکر می‌کنم که من را قابل دانست و برای انتخاب این نمایش از من دعوت کرد. من به خانم آدینه بسیار متقدیم و او را دوست دارم. امیدوارم همان گونه که تماشاگران درجه یکی دارد، نمایش درجه یکی هم داشته باشد.

معتمدآریا در بخش پایانی صحبت‌های خود و پیش از امضای نمادین پوستر نمایش «بانوی محبوب من» تصریح کرد: کرونا در این دو سال همه ما را از یکدیگر دور کرد. بنابراین اجرای چنین نمایشی در تالار اصلی تئاتر شهر نعمت بزرگی است که باعث شد برای بهترین اتفاق این روزهای جهان یعنی نمایش دور هم جمع شویم.

نمایش «بانوی محبوب من» به نویسندگی آلن جی لرنر، کارگردانی کلاب آدینه، تهیه‌کنندگی حمیدرضا علی‌نژاد و نورالدین حیدری‌ماهر به عنوان مجری طرح و بازی رضا عمرانی، نورا هاشمی، جلییل فرجاد، امیر غفارمنش، میلاد رمضانی (ورچاوند)، شبیر پرستار، مرتضی امینی‌تبار، گلشید بحرایی و تعدادی دیگر از بازیگران جوان تئاتر کشورمان هر روز ساعت ۱۸ در تالار اصلی مجموعه تئاتر شهر به روی صحنه می‌رود.